«شرق» در گفت‌وگو با محسن روحی‌صفت نشست دو روزه سازمان ملل درباره افغانستان را بررسی می‌کند

آینده افغانستان و امنیت ایران

انسداد مرزی یک حق طبیعی برای تعیین مرزها و دفاع مرزی ایران است تا بتواند مرزهای قابل کنترلی داشته باشد

مهدی بازرگان: نشست دوروزه سازمان ملل درباره افغانستان در دوحه در حالی از دیروز (یکشنبه) برگزار شد که وزارت امور خارجه طالبان با بیان مواضع خود درباره این نشست، اعلام کرد که هیئتی را به این نشست نمی‌فرستد. به نوشته ایسنا، وزارت امور خارجه طالبان در بیانیه‌ای اعلام کرد که در کنفرانس سازمان ملل در دوحه درباره افغانستان شرکت نمی‌کند که به میزبانی «آنتونیو گوترش» دبیر کل سازمان ملل به مدت دو روز برگزار خواهد شد. در این بیانیه که در وبگاه و صفحه کاربری وزارت امور خارجه طالبان در شبکه اجتماعی ایکس منتشر شده، آمده است «امارت اسلامی» افغانستان طی دوسال‌ونیم گذشته، از یک‌سو تلاش‌ها برای تحکیم بنیادهای سیاسی، اداری، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی را ادامه داده و از سویی دیگر در روابط با کشورهای منطقه پیشرفت‌های خوبی داشته است. همچنین، امارت اسلامی به‌طور منظم از مجاری مختلف با ملل متحد، کشورهای غربی و به‌ویژه، آمریکا درباره تحریم‌های نامشروع یک‌جانبه، فهرست‌های سیاه و جایزه و آزادسازی ذخایر بانکی افغانستان بحث‌هایی داشته است. در ادامه مطرح شده «امارت اسلامی افغانستان بر این باور بود که نشست نمایندگان ویژه کشورهای مختلف در دوحه، پایتخت قطر به ریاست آقای آنتونی گوترش، دبیر کل سازمان ملل فرصت خوب دیگری بود تا گفت‌وگوهایی واضح و نتیجه‌محور درمورد موضوعات مورد اختلاف انجام می‌شد». وزارت امور خارجه طالبان برای سازمان ملل روشن کرده است که در صورتی که امارت اسلامی به‌عنوان تنها طرف مسئول به نمایندگی از افغانستان شرکت کند و زمینه برای گفت‌وگوهای صریح به سطح عالی میان هیئت افغانستان و سازمان ملل در مورد تمامی مسائل فراهم باشد، شرکت در این کنفرانس مفید خواهد بود. اما به علت حاصل‌نشدن پیشرفتی در این بحث، شرکت بی‌نتیجه امارت اسلامی در این نشست مفید دانسته نشد. وزارت امور خارجه طالبان همچنین بیان کرد «درصورتی‌که سازمان ملل حقایق موجود را درک کند و تحت فشار شماری از طرف‌های محدود قرار نگیرد و این نکته را مد نظر قرار دهد که نظام کنونی افغانستان مانند رژیم ۲۰ ساله گذشته تحت تأثیر کسی قرار نمی‌گیرد، امکان دارد در گفت‌وگوها با امارت اسلامی افغانستان پیشرفت صورت گیرد. تعامل دوونیم ساله امارت اسلامی با کشورهای منطقه نشان داد که درصورتی‌که از تکرار تجارب ناکام ۲۰ سال گذشته اجتناب شود و به‌جای تصمیم‌های تحمیلی یک‌جانبه و فشارها، برخوردی واقع‌بینانه و عمل‌گرایانه انجام گیرد، در روابط دوجانبه با سایر طرف‌ها نیز پیشرفت حاصل می‌شود». سازمان ملل همچنین از اعضای جامعه مدنی افغانستان و گروه‌های مخالف با طالبان برای دیدار با نمایندگان ویژه کشورها در امور افغانستان در نشست دوحه دعوت کرده است. این کنفرانس در دوحه، دومین گفتمان بین‌المللی به ریاست سازمان ملل درباره افغانستان از زمان دردست‌گرفتن قدرت در این کشور توسط طالبان در آگوست ۲۰۲۱ و پس از ۲۰ سال جنگ با آمریکا و متحدان آن است. درحالی‌که طالبان برای شرکت در اولین کنفرانس دعوت نشده بود، سازمان ملل به دنبال حضور این گروه حاکم بر افغانستان بود. در این نشست دوروزه افزایش تعامل با افغانستان و پاسخ هماهنگ‌تر به بحران بشردوستانه در آن مورد بحث قرار می‌گیرد و یکی از اهداف این نشست تعیین نماینده ویژه از سوی سازمان ملل برای افغانستان است؛ موضوعی که طالبان با آن مخالفت کرده است. برای بررسی این نشست دوروزه و نیز ارزیابی آینده افغانستان، گفت‌وگویی با محسن روحی‌صفت، رایزن سابق اقتصادی ایران در مالزی، سرپرست سابق سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزارشریف، پیشاور، قندهار، رئیس سابق ستاد افغانستان و کارشناس مسائل شبه‌قاره و جنوب شرق آسیا انجام شده است که در ادامه می‌خوانید:

◆ نشست دوروزه سازمان ملل درباره تحولات افغانستان دیروز (یکشنبه) در دوحه (پایتخت قطر) آغاز به کار کرد. اما وزارت امور خارجه طالبان از حضور در این نشست امتناع ورزید. آیا طالبان با این غیبت به دنبال تحمیل پیش‌شرط‌ها و فشار به جامعه جهانی در جهت به‌رسمیت‌شناختن خود است؟

به نوعی بله، چون به نظر می‌رسد که طالبان با این دست رفتارها و اقدامات به دنبال اخذ امتیازات بیشتر در جهت به‌رسمیت‌شناختن خود در سطح منطقه و جهان است. به‌هرحال طالبان از یک سو می‌داند بین کشورهای همسایه افغانستان و همچنین بازیگران فرامنطقه‌ای درخصوص تحولات این کشور (افغانستان) اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد و به همین واسطه دیدگاه یکسان، واحد و مشترکی درباره حکومت طالبان هم وجود ندارد. از طرف دیگر طالبان به این واقعیت اذعان دارد که جامعه جهانی با محوریت آمریکا هم هیچ گزینه آلترناتیو و جایگزینی برای حکومت طالبان در ترسیم آینده افغانستان ندارد و اتفاقا خود ایالات متحده آمریکا بود که با مذاکرات قطر باعث شد که حکومت دوم طالبان در افغانستان روی کار بیاید و اصطلاحا دست آمریکایی‌ها اکنون برای ریل‌گذاری در جهت ترسیم حکومت جایگزین در افغانستان خالی است. با درنظرگرفتن این نکات، حکومت طالبان هم سعی می‌کند با رفتارهایی مانند حضورنیافتن در نشست سازمان ملل به نوعی جامعه جهانی را تحت فشار قرار دهد که از یک‌سو امتیازات بیشتری به طالبان داده شود و از سوی دیگر، این حکومت را به عنوان تنها نماینده رسمی افغانستان در مجامع جهانی به رسمیت بشناسند. این نکته مهم را هم باید در نظر بگیریم که حکومت طالبان با طرح پیش‌شرط‌های خود، ضمن اخذ امتیازات مدنظرش و نیز به‌رسمیت‌شناختن دیپلماتیک به دنبال افزایش حوزه نفوذ و قدرت خود در منطقه هم هست. چون به باور طالبان بعد از روی‌کارآمدن این حکومت، جریان‌های افراطی از افغانستان گرفته تا پاکستان انگیزه مضاعفی برای کسب قدرت پیدا کرده‌اند. بنابراین حکومت طالبان از کارت این گروه‌های افراطی هم در جهت فشار به کشورهای منطقه و جهان استفاده خواهد کرد تا بتواند اهداف و منافع خود را پیش ببرد که در غیر این صورت، طالبان می‌تواند از ظرفیت این گروه‌ها برای ایجاد ناامنی منطقه‌ای و جهانی و به‌عنوان کارت تهدید استفاده کند.

◆ ارزیابی‌تان از میزبانی دوحه چیست؟ آیا قطر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران حامی حکومت طالبان با میزبانی از نشست سازمان ملل سعی دارد پشت پرده امتیازات مدنظری را برای حمایت از طالبان کسب کند؟

من چنین تصوری ندارم. یعنی کشور قطر با این میزبانی نمی‌تواند در این مسیر گام بردارد و نقش عمده‌ای برای کسب امتیاز در جهت حمایت از طالبان داشته باشد. ضمن آنکه قطر اساسا در جایگاه و حدواندازه گرفتن امتیاز برای حمایت از طالبان هم نیست. انتخاب قطر برای میزبانی از نشست دوروزه سازمان ملل درباره تحولات افغانستان با پیشنهاد و ابتکار آمریکایی‌ها بود که ...

◆ اما دلیلش چه بود؟

چون سفارت آمریکا در افغانستان از کابل به دوحه انتقال یافت. به همین دلیل این پیشنهاد داده شد که قطر میزبان نشست سازمان ملل با محوریت افغانستان باشد. ضمنا از چند سال پیش تا الان قطر واسط مذاکرات بین آمریکا و حکومت طالبان بوده است؛ بنابراین نمی‌توان از میزبانی قطر برای نشست سازمان ملل چنین برداشتی داشت. موضوع صرفا انتخاب یک کشور برای برگزاری نشست است.

◆ با وجود این اهداف ترسیمی مدنظر این نشست سازمان ملل برای آینده افغانستان قابل تحقق است؟ آیا از دل این‌دست نشست‌ها می‌توان به ایجاد یک حکومت فراگیر ملی در افغانستان، رفع محدودیت برای رسانه‌ها، حقوق بانوان و ... دست یافت؟

ابتدا باید بگویم که این پیشنهاد برگزاری نشست سازمان ملل با موضوع افغانستان از سوی آمریکایی‌ها و مشخصا آقای زلمای خلیل‌زاد مطرح شد که عنوان کرده بود طرح و برنامه‌ای برای آینده افغانستان و حکومت طالبان وجود دارد و پیرو این نکته، آمریکایی‌ها عنوان کرده بودند که با سازمان ملل برای برگزاری یک نشست بین‌المللی در حال رایزنی هستند تا سازمان ملل، چارچوب کلی این نشست را ترسیم کند. به همین دلیل موتور پیشران و موتور محرک این نشست سازمان ملل، خود آمریکایی‌ها هستند و سازمان ملل تنها در حد ترسیم‌کننده چارچوب‌ها با آمریکا همکاری می‌کند. یعنی به نوعی سازمان ملل و کشورهای عضو بازوی اجرائی طرح و برنامه آمریکا درخصوص افغانستان هستند. البته در دل این نشست هم یک فرصت مغتنم وجود دارد که کشورها بتوانند آرا و نظرات خود را درباره آینده افغانستان به‌روز کرده و از نگاه و آرای دیگر کشورها آگاه شوند تا بتوانند مواضع خود را به مواضع دیگر کشورها نزدیک کنند و مؤثرتر باشند.

◆ جناب روحی‌صفت، از زلمای خلیل‌زاد نام بردید که به باور برخی یک دلال سیاسی و حتی از نگاه افغان‌ها یک زالوی سیاسی است. چطور خلیل‌زاد که خود باعث و بانی وضعیت کنونی در افغانستان و روی‌کارآمدن حکومت دوم طالبان است، اکنون برای آینده افغانستان طرح و برنامه ارائه می‌دهد و به دنبال برگزاری نشست دوحه است؟

این نکته شما کاملا درست است و زلمای خلیل‌زاد به دنبال پیش‌بردن اهداف و منافع قومی خود در افغانستان است. باید اذعان کرد که زلمای خلیل‌زاد نگاه قومی خود را بر منافع و مصلحت مردم افغانستان تحمیل کرده است؛ تا جایی که با طرح و برنامه زلمای خلیل‌زاد بود که آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که بهتر است با طالبان وارد مذاکره شوند تا حکومتی در افغانستان شکل بگیرد که این جریان (طالبان) هم بخشی از قدرت باشد؛ اما در نهایت زلمای خلیل‌زاد معادلات را به سمتی پیش برد که تمام قدرت به طالبان رسید. این در حالی است که زلمای خلیل‌زاد در پیشنهادها و مشاوره خود به آمریکایی‌ها این‌گونه عنوان کرده بود که طالبان و پشتون‌ها بخشی از قدرت را در افغانستان به دست بگیرند و نه کل آن را؛ اما عملکرد او به گونه‌ای بود که اکنون کل قدرت در مصادره پشتون‌ها و طالبان است.

◆ پس این تناقض چگونه توجیه‌پذیر است که یک زالوی سیاسی مانند زلمای خلیل‌زاد که باعث و بانی شرایط کنونی است، اکنون به دنبال نشست افغانستان است و سعی دارد شرایطی را به حکومت طالبان تحمیل کند؟

مسئله را باید از زاویه دیگری ببینیم. واقعیت این است که آمریکایی‌ها به واسطه زلمای خلیل‌زاد سعی دارند از دل نشست‌هایی مانند نشست دوروزه دوحه، پیش‌شرط‌ها و اهداف خود را که در توافقات پیشین با طالبان در قالب مذاکرات دوحه داشتند، اجرائی کنند، نه چیزی بیش از آن. نه اینکه برای آمریکا و شخصی مانند زلمای خلیل‌زاد، مسئله حقوق بانوان یا حکومت فراگیر ملی مهم نباشد؛ چون اکنون هیچ کشوری و در کل افکار عمومی در جهان عملکرد طالبان را پذیرفتنی نمی‌دانند؛ اما برای زلمای خلیل‌زاد و آمریکایی‌ها اولویت چیز دیگری بود. آنها در تلاش بودند که بتوانند شرایط را به سمتی پیش ببرند که منافع خود را در افغانستان محقق کنند. تصور این بود که با حکومت طالبان و به قدرت رسیدن پشتون‌ها می‌توانند شرایط را به سمتی پیش ببرند که آزادی حقوق بانوان و رسانه‌ها یا حکومت فراگیر ملی هم در ادامه محقق شود که چنین نشد. اکنون هم نشست‌هایی مانند نشست دوروزه سازمان ملل، صرفا تلاشی است برای اینکه واشنگتن اهداف خود را از دل مذاکراتی که قبلا در قالب مذاکرات دوحه داشت، اجرائی کند.

◆ به مسئله مهم‌تر بپردازیم؛ یعنی نسبت این دست نشست‌ها با منافع ایران. از نگاه غالب کارشناسان مسائل آسیای میانه و شبه‌قاره اکنون یک مشکل امنیتی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در مرزهای شرقی متوجه ماست که موتور محرکه آن با حکومت طالبان است؛ بنابراین باید پرسید که نگاه ایران باید به این دست نشست‌ها چگونه باشد؟ آیا ما باید منافع خود را پیش ببریم یا می‌توان هماهنگ با نگاه بین‌المللی و جهانی اهداف خود را پی بگیریم؟ دراین‌باره حسن کاظمی‌قمی، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری در امور افغانستان، در شبکه ایکس نوشت «عصر یکشنبه نشست دوحه آغاز خواهد شد. تمرکز چنین است؛ تصمیم جمعی برای روندهای بین‌المللی مبتنی بر مشورتی همه‌جانبه و غیرتحمیلی باشد. اولویت‌های موضوعی افغانستان در نظر باشد. تصمیمات مبتنی بر منافع متقابل و مشروع افغانستان، همسایگان، منطقه و محیط بین‌الملل باشد». کاظمی‌قمی همچنین در توییت دیگری نوشت: «نشست مهمی با همکارانم از چین، پاکستان و روسیه انجام شد. کمیته تماس منطقه‌ای فرایندی مهم و اثرگذار است. پس از دیدار ماه گذشته در کابل، وضعیت را قبل از جلسه دوحه مرور کردیم. مسئله مشترک، مردم افغانستان، امنیت جمعی و فرایندی است که بتواند امنیت و ثبات، همچنین رفاه مردم را تضمین کند». نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان همچنین در توییت دیگری نوشت: «در دیدار نماینده سوئیس توجه داده شد که کاربرد «باید» در نظام بین‌الملل از ناحیه خود قدرت‌های بزرگ بی‌اثر و ناممکن شده است. آیا چندجانبه‌گرایی غرب توانست با «باید» از مردم غزه صیانت کند؟». به گفته او «افغانستان سوئیس نیست؛ اگرچه کوهستان و طبیعت زیبا دارد. مردم آن یک قرن «بایدها» را ناممکن کردند». واقعا ریل‌گذاری ما درباره افغانستان قابل دفاع است؟

چند نکته مهم در سؤال شما وجود داشت که باید به آنها اشاره کرد. اول اینکه من هم معتقدم یک بحران امنیتی در مرزهای شرقی کشور وجود دارد و من در دو سال گذشته بعد از روی کار آمدن حکومت طالبان بارها و بارها در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایم به این مشکل امنیتی اشاره داشتم که متأسفانه باید اذعان کرد این مسئله امنیتی اکنون به چشم مسئولان کشور نمی‌آید و معمولا ضربه‌ها از جایی وارد می‌شوند که پیش‌بینی‌پذیر نیستند؛ بنابراین من معترفم که از این جنبه و از سمت مرزهای شرقی کشور بسیار ضربه‌پذیر هستیم و خطرات و تهدیدهای امنیتی در مرزهای شرقی متوجه کشور است که باید جدی گرفت؛ کمااینکه دیگر همسایگان افغانستان هم تهدیدات روی کار آمدن حکومت طالبان را دست‌کم می‌گرفتند و آن را جدی نمی‌دانستند؛ ولی اکنون کشوری مانند پاکستان که حامی جدی روی کار آمدن حکومت طالبان بود، با یکی از جدی‌ترین بحران‌های امنیتی در خاک خود مواجه است؛ بنابراین ما باید متوجه باشیم که نباید در مسیر کشوری مانند پاکستان قدم برداریم؛ ولی هم‌زمان متأسفانه باید اعتراف کرد اکنون ظاهرا در این مسیر گام برمی‌داریم. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که مسائل را باید از نگاه داخلی و دریچه داخلی افغانستان تحلیل کنیم؛ یعنی نخبگان و جریان‌های سیاسی در افغانستان خود باید به این نتیجه و جمع‌بندی برسند که اگر به دنبال تغییر در مسائل افغانستان هستند و سعی دارند حقوق بانوان، آزادی رسانه‌ها و شکل‌گیری حکومت فراگیر ملی اجرائی شود، باید به یک جمع‌بندی و تصمیم جدی دست پیدا کنند. اگر بر این باورند که از طریق کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌توانند تغییر در افغانستان ایجاد کنند، یک نگاه غیرواقع‌بینانه است. در لایه دوم باید به این موضوع اشاره کرد که اگر کشورهای همسایه افغانستان به دنبال امنیت و توسعه در قبال این کشور (افغانستان) هستند، باید یک مسیر هماهنگ‌شده را با دیگر بازیگران منطقه‌ای و جهان در دستور کار قرار دهند و از اختلاف با بازیگران منطقه‌ای و جهانی دوری کرده و یک رویه مشترک و واحد را پیش‌رو داشته باشند که متأسفانه اکنون رقابت کشورهای منطقه‌ای و جهانی درباره آینده افغانستان و نحوه تعامل با طالبان بسیار زیاد است و هرکسی از دریچه و زاویه خود به موضوع نگاه می‌کند و به دلیل همین رقابت‌ها و اختلاف رویه‌ها شاهد سوءاستفاده طالبان هستیم؛ بنابراین این دست نشست‌ها در سازمان ملل با موضوع افغانستان باعث می‌شود که نگاه ایران به نگاه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نزدیک‌تر شود و با هماهنگی عمل بیشتری یک رویه درست، منسجم و منطبق بر واقعیات را در قبال آینده افغانستان داشته باشیم.

◆ اگر قائل به وجود بحران امنیتی در مرزهای شرقی کشور هستید، اقدام اخیر تهران برای انسداد مرزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چون به باور برخی از کارشناسان این اقدام صرفا صرف هزینه است؛ درصورتی‌که گروه‌های تروریستی از شرق کشور به‌راحتی می‌توانند با سوراخ‌کردن این دیوار تمام هزینه‌ها را بر باد دهند.

من از شما می‌پرسم آیا نباید این کشور یک مرز مشخص و روشن با افغانستان داشته باشد؛ مرز مشخصی که قابل امتداد باشد؟

◆ بله، این مرز مشخص باید وجود داشته باشد.

پس طبیعی است که ما باید این انسداد مرزی را داشته باشیم؛ چون واقعا در مرزهای شرقی کشور یک مرز روشنی وجود ندارد؛ تا جایی که برخی افراد ممکن است ندانند وارد خاک ایران شده‌اند یا افغانستان یا پاکستان؛ اما برای این انسداد مرزی صرفا نباید به دیوار مرزی اکتفا کرد؛ بلکه جایی باید خندق باشد، جای دیگری باید فنس‌کشی و سیم‌خاردار باشد و جاهای دیگری از ابزارهای الکترونیک استفاده کرد. بستگی به توپولوژی و وضعیت جغرافیایی در مرزهای شرقی باید از همه ابزارها و توان خود استفاده کرد که یک انسداد مرزی به وجود آید. پس نباید اقدام کشور برای انسداد مرزی را زیر سؤال برد؛ چون ما با همه کشورهایی که مرز مشترک زمینی داریم، این انسداد مرزی را داریم. از عراق گرفته تا ترکیه، جمهوری آذربایجان و دیگر کشورها. این در حالی است که متأسفانه این انسداد مرزی با مرزهای شرقی وجود ندارد.

◆ * پس شما معتقدید اگر انسداد مرزی برای تعیین مرز باشد، قابل دفاع است؟

نه، اصلا مسئله چیز دیگری است. ببینید ما باید در تعیین مرزها اقدامات خود را داشته باشیم که یکی از این اقدامات انسداد مرزی است؛ اما هدف فقط این نیست؛ چون مرزها کاملا روشن هستند و با ارجاع به نقشه‌ها می‌توان مرزها را تعیین کرد؛ اما نکته دیگر این است که وقتی بین دو پاسگاه مرزی ۵ یا ۱۰ کیلومتر فاصله وجود دارد و در این فاصله، مهاجران به صورت میلیونی وارد خاک کشور می‌شوند یا گروه‌های تروریستی به‌راحتی می‌توانند وارد ایران شوند، بدون آنکه دو پاسگاه خبر داشته باشند، نشان می‌دهد مسئله صرفا تعیین مرز نیست؛ بلکه واقعا دیوار مرزی و انسداد مرزی برای تقابل با موج مهاجران یا تقابل با تروریسم الزامی است. باید این نکته مهم را هم در نظر بگیریم؛ چون در میان کشورهای همسایه ایران یک ثبات نسبی وجود دارد و شاهد موج میلیونی مهاجران هستیم. درصورتی‌که این ثبات در افغانستان وجود ندارد و با کوچک‌ترین ناامنی شاهد سیل جمعیت مهاجران غیرقانونی افغان به خاک ایران هستیم که تبعات خاص خود را دارد؛ پس به دلایل مختلف باید انسداد مرزی وجود داشته باشد. این در حالی است که طبق برنامه‌ریزی‌ها مثلا دولت برای دو میلیون مهاجر افغان هزینه پیش‌بینی می‌کند؛ اما ناگهان با یک اتفاق در خاک افغانستان چند میلیون مهاجر دیگر وارد خاک کشور می‌شوند که هزینه‌ها و تبعات خاص خود را دارند. از طرف دیگر شما به سوراخ‌کردن دیوار و ناکارآمدی آن اشاره کردید، ببینید این موضوع برای مهاجرانی صدق می‌کند که به صورت گروهی وارد می‌شوند، نه برای مهاجران افغان که به صورت چند صد هزارنفره یا میلیونی وارد خاک ایران می‌شوند؛ بنابراین یک سوراخ در دیوار یا انسداد مرزی نمی‌تواند ظرفیت این را داشته باشد که مهاجران افغان به صورت میلیونی از آن عبورومرور داشته باشند.

◆ حضرت‌عالی که همواره قائل به نگاه امنیت‌زایی در امتداد مرزهای شرقی کشور بوده‌اید. آیا انسداد مرزی را طرحی امنیت‌زا می‌دانید یا امنیت‌زدا؟

این موضوع ربطی به امنیت‌زایی یا امنیت‌زدایی ندارد. این یک حق طبیعی برای تعیین مرزها و دفاع مرزی ایران است تا بتواند مرزهای قابل کنترلی داشته باشد. حتی اگر بهترین دوست و باثبات‌ترین حکومت در کشوری مانند افغانستان هم روی کار بیاید، باز هم دلیلی بر این نیست که ما حق دفاع مرزی برای کنترل مرزها یا انسداد مرزی را کنار بگذاریم. شما باید زاویه تحلیل را عوض کنید. تأکید می‌کنم این ربطی به امنیت‌زایی یا امنیت‌زدایی ندارد. این موضوع هم ربطی به این ندارد که نشست‌های سازمان ملل یا نشست‌های منطقه‌ای و جهانی وجود داشته باشد یا خیر. ما باید در هرگونه نشستی که ربطی به موضوع افغانستان داشته باشد، شرکت فعال داشته باشیم، حتی اگر در آن نشست‌ها، کشوری مانند آمریکا هم دخیل و محور باشد؛ چون موضوع به امنیت مستقیم ایران ربط دارد. درعین‌حال ما باید طرح انسداد مرزی را به دلایل متعددی که به آن اشاره کردم، هرچه زودتر اجرائی کنیم.

مناقصه عمومی یک مرحله ای

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

فراخوان کمک به مرمت و ساماندهی و تکمیل و تجهیز خانه های خلاق باغ هرندی کرمان

اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع استان کرمان در نظر دارد فراخوان کمک به مرمت و ساماندهی و تکمیل و تجهیز خانه های خلاق باغ هرندی کرمان به شماره سیستمی ۲۰۰۲۰۰۹۰۰۹۰۰۰۰۳۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

- **تاریخ انتشار فراخوان:** روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ ساعت ۰۸:۰۰
- **مهلت دریافت اسناد فراخوان:** روز سه شنبه ۱۴۰۲/۱۱/۰۳ ساعت ۱۹:۰۰
- **مهلت ارسال پیشنهادات:** روز یکشنبه۱۴۰۲/۱۱/۱۵ ساعت ۰۸:۳۰
- **زمان بازگشایی پاکت ها:** روز یکشنبه۱۴۰۲/۱۱/۱۵ ساعت ۰۹:۰۰

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲،۰۸۹،۰۰۰،۰۰۰ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : کرمان بلوار جمهوری اسلامی، نبش سه راه هوانیروز اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان شماره تماس ۷الی۰۳۴۳۲۸۱۶۵۰۴ و نمابر ۰۳۴۳۲۸۱۶۵۰۲

شناسه آگهی : ۱۶۶۹۳۲۹

۷۸۹۰

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

نوبت اول

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز ایلام

شرکت پالایش گاز ایلام در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید .

شماره مناقصه: ۹۴-۱۴۰۲/۱

موضوع مناقصه : تجدید مناقصه خرید، نصب و راه اندازی منبع تغذیه برق بدون وقفه

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) : به میزان : ۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) : ضمانتنامه بانکی

آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد توسط مناقصه گران : ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

آخرین مهلت درج اسناد در سامانه ستاد توسط مناقصه گران: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی کیفی و گشایش پاکات الف : ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی فنی : ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

تاریخ گشایش پاکات مالی "ج" : ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

آدرس دریافت اسناد الکترونیک : www.setadiran.ir

آدرس پستی مناقصه گزار : ایلام / شهرستان چوار / صندوق پستی ۱۴۴-۶۹۳۶۱ / کدپستی ۶۹۳۷۱۷۰۱۱۰ /دبیرخانه کمیسیون مناقصات

* مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۰۷۷ و ۰۸۴-۳۲۹۱۲۸۵۰ (دبیرخانه کمیسیون مناقصات) تماس حاصل فرمایند.

شناسه آگهی : ۱۶۶۷۱۲۹

نوبت اول : ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ نوبت دوم : ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

۵۳۱۶۵۳۸۷

روابط عمومی شرکت پالایش گاز ایلام

۷۸۸۹